

خسوف عصمت

خون نگاشته هایی از شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

صادق داوری

بسم الله الرحمن الرحیم

خسوف عصمت : خون نگاشته هایی از شهادت حضرت فاطمه زهرا علیها السلام

نویسنده:

صادق داوری

ناشر چاپی:

سلسله

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

خسوف عصمت : خون نگاشته هایی از شهادت حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام

مشخصات کتاب

سرشناسه : داوری صادق - ۱۳۳۰ عنوان و نام پدیدآور : خسوف عصمت : خون نگاشته هایی از شهادت حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام صادق داوری به اهتمام مجمع مطالعات و پژوهش های علمی و تحقیقی هیات محبان اهل بیت ع مشخصات نشر : قم سلسله ۱۳۸۰. مشخصات ظاهری : [۴۶] ص شابک : ۹۶۴-۷۲۰۵-۲۱-۲۲۰۰ Xریال ؛ ۹۶۴-۷۲۰۵-۲۱-۲۲۰۰ Xریال وضعیت فهرست نویسی : فهرستنویسی قبلی یادداشت : کتابنامه به صورت زیرنویس عنوان دیگر : خون نگاشته هایی از شهادت حضرت فاطمه زهرا علیهاالسلام موضوع : فاطمه زهرا(س ، ۸؟ قبل از هجرت - ۱ق -- شهادت رده بندی کنگره : BP۲۷/۲ /د۲۵خ ۵ رده بندی دیویی : ۲۹۷/۹۷۳ شماره کتابشناسی ملی : م ۸۰-۱۹۴۰۱

پیشگفتار

بسم الله الرحمن الرحیم

سخن گفتن از شخصیت نورانی و والای بانوی بزرگواری که عملش نصب العین ائمه ی طاهرین (علیهم السلام) و اسوه ی حجج الهی است، بسیار مشکل بلکه از حد توان هر ناطق و سخنور ماهری خارج است.

بانوئی که راحت روح نبی و رکن رکین امیرالمؤمنین بوده و علت غائی و هدف خلقت هستی و ماسوی الله، حتی رسول اکرم و امیرالمؤمنین می باشد در آنجا که خداوند متعال (صریحا) می فرماید:

یا احمد لولاک لما خلقت الآفلاک و لو لا علی لما خلقتک ولو لا فاطمه لما خلقتکما. [۱]

خلقت نبی اکرم و علی بن ابیطالب (علیهم السلام) نیز به گل روی این الگوی عالمین است. کیست که بتواند به آسمان بلند و وسیع

[صفحه ۲]

فضائل آن بی بی، پرواز و به قله ی رفیع عظمتش صعود نماید؟

فقط نبی اکرم و امیرالمؤمنین و یازده فرزند

پاکش، زهرا شناسند و ایشانند که باید مداح فضائل و مناقب و معرف شخصیت ملکوتی آن ناموس خدا و شفیعه ی دو سرا یعنی حضرت فاطمه ی زهرا (علیهاالسلام) باشند تا بتوانند ذره ای از نم اقیانوس مواج و بیکران عظمتش را به لب تشنگان معرفتش رسانیده و گمگشتگان وادی محبتش را به سر منزل عشق هدایت نمایند.

اما به مضمون:

آب دریا را اگر نتوان کشید

پس به قدر تشنگی باید چشید

هر کسی باید از ضیاء نور آن معشوقه ی خدا، بقدر ظرفیت و معرفتش استفاده نموده و مستفیض شود و در این راستا صدیق مکرم و فاضل ارجمند جناب آقای صادق داوری - وفقه البله لمراضیه - از این دریای بی پایان نمی، گرفته و به عاشقان معرفتش رسانیده اند، که امید است خداوند منان این اظهار ارادت را از ایشان قبول نموده و توفیق شناخت و معرفتش را به همگان عطا فرماید.

مجمع مطالعات و پژوهشهای علمی تحقیقی اهل البیت (علیهم السلام)

هیئت محبان اهل بیت (علیهم السلام) - دولت آباد - ۳۱ / ۴ / ۱۳۷۸

[صفحه ۳]

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صلی علی فاطمه و أبیها و بعلها و بنیها و السر المستودع فیها بعدد ما احاط به علمك.

چگونه می توان در رسای جلوه ی نور جز با توسل از منبع نور گفت؟ و چگونه بشر خاکی و آلوده ی به معصیت جز به یاری معصوم و تمنای از انوار کلمات مقام ولایت می تواند روزنه ای به سوی شناخت حضرت صدیقه ی کبری (علیهاالسلام) باز کند؟

فاطمه ای که از نور عظمت الهی خلق شده و آنچنان آسمان و زمین به نور وجودش روشنائی یافته

که ملائکه به سجده افتاده اند و درباره ی عظمت آن نور از حضرت حق سؤال نمودند!!

زهره ی زهرائی که خداوند پیش از خلقت آدم ابوالبشر، ایشان را از نور خویش آفرید.

[صفحه ۴]

حوراء انسیه ای که خداوند ولایتش را بر ملائکه ی و سائر مخلوقات عرضه داشت. قبول کنندگانش از مؤمنین و منکرین ایشان، از کافرین بحساب آمدند.

طاهره و مطهره ای که رسول خدا هر زمان مشتاق بوی بهشت می شد او را می بوئید و می فرمود: هرگاه شوق بهشت در دلم پیدا می شود گلوی فاطمه را می بوسم.

اذا شتقت الی الجنه قبلت نحر فاطمه. [۵]

مظلومه ای که مظهر جمال و جلال و جلوه ی نور الهی است که غضب او غضب پروردگار، و رضایت او رضایت پروردگار است. چنانچه پیامبر (صلی الله علیه و سلم) به حضرت زهرا (علیهاالسلام) فرمود:

ان الله یغضب لغضبک و یرضی لرضاک. [۵]

صدیقه ای که خداوند زمین را مهریه ی وی قرار داد. زیرا رسول خدا به حضرت علی (علیه السلام) فرمود: خداوند فاطمه (علیهاالسلام) را به ازدواج تو درآورد و زمین را مهریه ایشان قرار داد و هر کس با بغض و کینه ی تو بر روی آن راه رود، به حرام به آن قدم گذاشته است. [۵]

[صفحه ۵]

با این وجود با یاد و نام شهیده ی ولایت حضرت زهرا (علیهاالسلام) با قلمی بی تاب و لرزان، با استعانت از روح آن مطهره، قطره ای از دریای بیکران فضائل و مناقب ایشان را به دوستداران آن حضرت تقدیم می داریم. هر چند در توان و قدرت هیچ کس نیست که بتواند فضائل آن حضرت را شماره کند.

فضل زهرا را بشر کی می توان احصاء کند

قطره را قدرت نباشد وصف از دریا کند

گر قلم گردد همه اشجار و دریاها مداد

ور خدا ارض و سماء را دفتری بیضا کند

در نوشتن، جن و انس و حاملین عرش و فرش

عاجزند الا که حق توصیف از زهرا کند [۵]

والسلام

صادق داوری دولت آبادی

۱/ جمادی الاولی / ۱۴۲۰ هجری قمری

[صفحه ۶]

صدف

صدف بشکست و در غلطید بر خاک

قمر بگرفت و شد تاریک افلاک

سبو بشکست در خمخانه ی عشق

شرر افتاد اندر لانه ی عشق

مگر مسمار هم اهل ادب بود

که جای سجده ی او بیت رب بود؟

پیمبر ناله زد، حیدر خروشید

خدا بر کعبه رخت تیره پوشید

چرا شد خیره بر او چشم خورشید؟

گمانم دید، خون از سینه جوشید

فسرده لاله، یاس و نسترن شد

گلستان ناگهان بیت الحزن شد

نماز عشق را او مقتدا بود

نیاز عشق را مشکل گشا بود

پیمبر بارها این جمله را گفت

ز لعل جانفزایش این درر سفت

گهرهائی که زهرا ریزد از چشم

خدا را می نشاند آتش خشم

[صفحه ۷]

تو ای زهرا مرا عین الیقینی

تو نوری و امیدی، اصل دینی

دفاع از عشق بنمودی چه سرسخت

تو شمعی کز پی پروانه می رفت

نبی مصطفی را نور عینی

حسن داری و کلثوم

و حسینی

روا باشد که گویم بی قرینی

چه گویم من؟ که زینب آفرینی

نم چشمان تو ماء المعین است

ولای تو مرا حبل المتین است

پیمبر تا به عرش حی معبود

شب اسراء به نیروی تو پیمود

به عالم مهر، تا، تابنده باشد

غبار فضه ات را بنده باشد

دمی که نور احمد گشت موجود

خدا محو جمال فاطمه بود [۶]

فضائل حضرت فاطمه ی زهرا

نور تبسم حضرت علی و حضرت فاطمه

از ابن عباس روایت شده است که:

موقعی که اهل بهشت متنعم به نعمتهای الهی هستند ناگهان نوری همانند نور خورشید می بینند که بهشت را روشن نمود. پس می گویند: خداوندا! مگر در قرآن نفرمودی که: «لا یرون فیها شمسا» [۷] «نمی بینند در بهشت خورشیدی» - در اینحال خداوند متعال جبرائیل را می فرستد که به اهل بهشت بگو: این نور، نور خورشید نبود بلکه نوری بود که در اثر تبسم حضرت

علی و حضرت فاطمه (علیهماالسلام) بوجود آمد و بهشت را روشن نمود. [۸] .

مصحف حضرت فاطمه

ابن فروخ قمی راجع به مصحف حضرت فاطمه ی زهرا (علیهاالسلام) روایت کرده است که:

همانا حضرت زهرا (علیهاالسلام) بعد از رسول خدا (صلی الله علیه و آله) هفتاد و پنج روز زندگانی نمود در حالی که در فراق پدر بزرگوارش بسیار محزون و مصیبت زده بود. در این مدت جبرائیل به نزد ایشان آمده و به آن حضرت تسلیت می نمود و ایشان را دلداری می داد و آن حضرت را از اتفاقاتی که بعدا رخ می داد آگاه می نمود و امیرالمؤمنین (علیه السلام) آنها را می نوشت که تبدیل به مصحف فاطمه (علیهاالسلام) شد. [۹]

و در روایت دیگری از حضرت صادق (علیه السلام) آمده است که:

[صفحه ۱۱]

مصحف حضرت فاطمه (علیهاالسلام) سه برابر قرآن است. [۱۰]

خداوند نیز از فاطمه پشتیبانی می کند

در مناقب ابن شهر آشوب روایت شده است که: روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) دستور دادند که دست دزدی قطع شود، آن دزد گفت: یا رسول الله! من با این دست در راه اسلام خدمت نموده ام، آن وقت شما دستور می دهید که قطع گردد؟!

رسول خدا (صلی الله علیه و آله) فرمود:

اگرچه دخترم فاطمه (علیهاالسلام) بود، این دستور را می دادم!!

حضرت فاطمه (علیهاالسلام) این کلام پدر را شنیده و محزون شد، در اینحال جبرائیل نازل شد و این آیه را تلاوت نمود: «لئن اشرکت لیحبطن عملک» [۱۱] یعنی «اگر شرک آوری هر آینه عملت نابود خواهد شد». در این هنگام بود که رسول خدا (صلی الله علیه و آله) محزون گردید پس باز آیه ای نازل شد که «لو کان فیهما آلهه الا الله لفسدتا» [۱۲] یعنی «اگر می بود در آندو خدایانی غیر خداوند

]

[صفحه ۱۲]

هر آینه آندو تباه شده بودند» پس رسول خدا (صلی الله علیه و آله) تعجب نمود در این هنگام بود که جبرائیل نازل شد و عرضه داشت:

حضرت فاطمه (علیهاالسلام) از گفتار شما محزون و ناراحت گردید پس این آیات بخاطر پشتیبانی از او نازل شد تا راضی گردد. [۱۳] .

پرتو افشانی حضرت زهرا

از امام صادق (علیه السلام) روایت شده است که فرمود:

حضرت زهرا (علیهاالسلام) بدین جهت «زهرا» نامیده شد چرا که روزی سه مرتبه بوسیله ی نور برای امیرالمؤمنین (علیه السلام) پرتو افشانی می کرد. [۱۴]

زمین مهریه ی حضرت زهرا

از ابن عباس روایت شده است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله)به امیرالمؤمنین (علیه السلام) فرمود: یا علی! بدرستی که خداوند

[صفحه ۱۳]

عزوجل، فاطمه (علیهاالسلام) را به ازدواج تو درآورد و زمین را مهریه اش قرار داد، پس هر کسی که بر روی آن راه برود در حالیکه دشمن تو باشد رفت و آمدش حرام است. [۱۵]

عظمت خادمه ی حضرت زهرا نزد خداوند تعالی

از حضرت امام جعفر صادق (علیه السلام) روایت شده است که ام ایمن گفت:

در راه مکه (در جحفه) عطش شدیدی بر من غالب شد، بطوریکه نزدیک بود هلاک گردم. در این حال سر بسوی آسمان بالا برده و گفتم: خداوندا! آیا مرا تشنه می گذاری در حالیکه من خدمتگزار دختر پیغمبرت بوده ام؟!

ام ایمن می گوید: در این حال بود که ظرفی از آب بهشتی از آسمان برایم فرود آمده پس نوشیدم و به حق بانویم حضرت زهرا (علیهاالسلام)، تا هفت سال نه گرسنه شدم و نه تشنه گردیدم. [۱۶]

[صفحه ۱۴]

استشفاء امام محمد باقر به ذکر یا فاطمه

مرحوم علامه ی مجلسی در بحار آورده است که:

هر موقع امام محمد باقر (علیه السلام) تب دار می گشت آب سرد استفاده می نمود و با صدای بلند مادرش حضرت زهرا (علیهاالسلام) را صدا می زد و می گفت: «یا فاطمه». [۱۷] .

عبادت حضرت زهرا

از حسن بصری روایت شده است که می گفت:

عبادت کننده تر از فاطمه (علیهاالسلام) دراین امت نبود، بطوری که آنقدر در محراب عبادت می ایستاد که قدمهای حضرتش متورم می شد. [۱۸] .

[صفحه ۱۵]

طریقه ی استقبال رسول خدا از فاطمه

مرحوم شیخ طوسی به اسناد از عایشه روایت کرده است که گفت:

هیچ کس از مردم را ندیدم که طرز کلام و گفتارش همانند گفتار رسول خدا باشد مگر کلام [حضرت] فاطمه. و هر زمانی که بر رسول خدا وارد می شد آن حضرت دستان فاطمه را می بوسید و او را بجای خویش می نشانید و به او مرحبا می گفت و نیز هر موقع رسول خدا بر فاطمه وارد می شد، فاطمه هم به احترام پدر از جا برمی خاست و دست پدر را می بوسید و به او خوش آمد می گفت. [۱۹] .

ضیاء نور حضرت زهرا

مرحوم شیخ صدوق از حضرت رضا (علیه السلام) در یک حدیث طولانی روایت کرده است:

هنگامی که هلال ماه مبارک رمضان ظاهر می شد نور

[صفحه ۱۶]

حضرت زهرا (علیهاالسلام) بر نور ماه غلبه می کرد بطوری که دیگر هلال ماه دیده نمی شد پس زمانی که نور حضرت فاطمه (علیهاالسلام) مخفی می شد هلال ماه نمایان می گشت. [۲۰]

[صفحه ۱۸]

مصیبت نامه ی حضرت فاطمه ی زهرا

بسم الله الرحمن الرحیم

بـا یـاد و نـام شـهیده ی ولا‌یـت حضـرت فاطمه ی زهرا (علیهاالسـلام) قلم بـدست گرفته و بر مرکبی از خون زده تا قطره ای از دریـای بی کران فضائـل و منـاقب و نیز مصـائب آن مـادر مغصـوبه و پهلـو شکسـته را بر حاشـیه ی صـفحه ای از برگ شـقایق روزگار رقم زنیم، باشد که انشاء الله مقبول درگاه بی مثالش قرار گیرد.

در توان و قـدرت هیـچ کس نیست که بتواند فضائل حضـرت زهرا (علیهاالسـلام) را شـماره کند، عقول بشـر هرگز نتواند مقام بتول عـذرا، را درک کند، حقیقت زهرا (علیهاالسـلام) معمایی است که جز خدا کسـی حل این معما نمی تواند بکند و کسـی جز پدر و شوهرش، ایشان را معرفی نماید.

در این نوشـتار، سـخن از بـانویی بزرگوار، شب زنـده دار، شاخسـار پیامبر و همسـر جانشـین پیغمبر، نور آسـمانی و سپیـدروی نورانی، راز نهان خدائی، نگهدارنده ی امین وحی الهی، گوهر تابناک عزت و بزرگواری، چراغدان نور الهی، راز

[صفحه ۱۹]

بزرگی و بزرگواری، دارنده ی جایگاه در عالم آسـمان و بزرگ بانوی زنان و دلسوز و مهربان و شـفاعت کننده ی گنهکاران و مادر نیکوکاران و موجب زیبائی پدران است. و نیز سخن از ستمدیده و حقش ربوده و غصب شده

و سخن از پهلو شکسته و سینه شکسته و فرزند کشته شده، و در یک کلام سخن از شهیده است و او کسی نیست جز بی بی دو عالم محبوبه ی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) حضرت فاطمه زهرا (علیهاالسلام). [۴۱] .

فاطمه (علیهاالسلام) کسی است که رسول خدا (صلی الله علیه و آله)در حق او فرمود:

«ان الله عزوجل لیغضب فاطمه و یرضی لرضاها» [۴۲] .

«همانا خداوند عزوجل بخاطر خشم فاطمه به غضب می آید و به خاطر خشنودیش راضی می شود».

فاطمه (علیهاالسلام) کسی است که، خداوند هیچ یک از پیامبران را مبعوث نکرد مگر اینکه به فضیلت و محبت فاطمه (علیهاالسلام) اقرار کنند:

«و هی الصدیقه الکبری و علی معرفتها دارت القرون

[صفحه ۲۰]

الاولی». [۴۳] .

فاطمه (علیهاالسلام) محور پنج تن آل عباست. [۴۴] او کسی است که پدر بزرگوارش در حقش فرمود:

«فداها أبوها». (و در روایت دیگر) بأبی أنت و أمی» «پدر و مادرم فدای تو باد». [۴۵] .

او لیله القدر است و تو چه می دانی که فاطمه (علیهاالسلام) کیست؟ (وما ادراک ما لیله القدر)؟ [۴۶] .

فاطمه (علیهاالسلام) همانطور که خود می فرماید، دختر سدره المنتهی است، خطبه خواننده اش در آسمان راحیل، و خدمتگزارش گروههای فرشتگان یکی بعد از دیگری است. [۴۷] .

[صفحه ۲۱]

فاطمه سر الله است، ذات فاطمه (علیهاالسلام) آئینه ی صفات خداست، و نیز ذات خداوند ثناخوان فاطمه (علیهاالسلام) است.

نام فاطمه (علیهاالسلام) از نام حق مشتق شده، او آئینه ی طلعت خدائی و گنجینه ی علم مصطفائی است، او حجت کبرای الهی و آئینه ی طلعت شاهی است، او خورشید

جلال ذوالجلال و مرآت جمال لایزال است.

فاطمه (علیهاالسلام) مصباح رسالت و ولایت است. او علت ایجاد ماسواست و کون و مکان از احسان او زنده است.

هستی هر هست به او شد پدید، او واسطه ی فیض دو جهان است و نیز واسطه ی وجوب و امکان (می باشد) و اوست انگیزه ی خلق محمد مصطفی و پیدایش علی مرتضی. [۴۸] .

فاطمه (علیهاالسلام) مظهر اسرار خداوند است و همان کسی است که باطن سر پنهان بر او آشکار است.

و مظهر اسرار الاله التی لها

علی باطن السر الخفی ظهور

او کسی است که حوریهای زیبا به زیارت او آمده و نسبت به

[صفحه ۲۲]

حضرتش غبطه خورده و شادمانند.

و من کان الحور الحسان تزورها

لهن لدیها غبطه و سرور [۴۹] .

او فانوس نور خداوند - عزوجل - و زیتونی است که برکاتش همگان را فرا گرفته.

مشکاه نور الله جل جلاله

زیتونه عم الوری برکاتها

او قطب دائره ی هستی و نقطه ای است که هنگامی که نازل شد فراوانیش فزونی یافت.

هی قطب دائره الوجود و نقطه

لما تنزلت اکثرت کثراتها

او احمد دوم و احمد دوران خویش است، او در میدان یکتاپرستی اصل و اساس است.

هی احمد الثانی و احمد عصرها

هی عنصر التوحید فی عرصاتها [۵۰].

او پاره ی تن حضرت مصطفی (صلی الله علیه و آله) [۵۱] و دریافت کننده ی

[صفحه ۲۳]

خردمند وحی است و خداوند او، بلسان پدر بزرگوارش بر او وحی فرستاده است.

بضعه

المصطفی عقیله وحی

کأبیها الهها أوحاها

فاطمه (علیهاالسلام) برگزیده شده ی خداوند است چرا که حضرت رسول (صلی الله علیه و آله) فرمود: در آن شب که مرا به آسمان بالا بردند بر در بهشت دیدم که نوشته شده است:

«لا اله اله الله محمد رسول الله علی حبیب الله و الحسن و الحسین صفوه الله، فاطمه خیره الله، علی باغضهم لعنه الله». [۳۲] .

«جز الله خدائی نیست، محمد فرستاده ی خداست، علی حبیب خداوند است، حسن و حسین برگزیده ی خداوند می باشند، فاطمه انتخاب شده ی خداوند است، بر کینه توز و دشمن آنان لعنت و نفرین خداوند است».

[صفحه ۲۴]

او کسی است که در ولایت کلیه ی الهیه با پدر بزرگوارش و شوهر عالیمقدار خود شرکت داشته و همراه و همقدم بود، و هیچگاه ترک اولائی از او سر نزده و از درجات رضا و خوشنودی مولای خود، به هیچوجه نکاسته و غریزه ی خود را بزیور لقب «عصمه اللهی» آراسته و پیراسته است، و در اخبار و آثار به این معنی تنصیص و تصریح شده، چنانچه شیخ صدوق در کتاب امالی مسند از ابن عباس روایت کرده که گفته است:

روزی رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نشسته بود در حالی که علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) در نزد او بودند، پس فرمود: خدایا تو می دانی که اینها اهل بیت من هستند و گرامی ترین مردمان می باشند و دوست بدار کسی که ایشان را دوست بدارد و خشمگین باش نسبت به کسی که بر ایشان خشمگین است و دوستی کن با آنهائی که با ایشان دوستی کنند و دشمنی کن

با آنهائی که با ایشان دشمنی کنند و ایشان را از پلیدیها و هرگونه رجسی طاهر و پاکیزه گردان و از هر مصیبت و گناه و ترک اولائی معصوم قرار ده و ایشان را به جبرئیل یا به

[صفحه ۲۵]

روح القدس که از تو است مدد کن. [۳۳] .

اما هر آنچه از فضائل بی بی فاطمه (علیهاالسلام) گفته شود تمامی نخواهد یافت و بقول شاعر:

أترید ان تحصی فضائل فاطم

نقد الحساب و فضلها لم ینفد

«شمارش اوصاف فاطمه زهرا (علیهاالسلام) تمام نخواهد شد، اما اعداد به اتمام خواهد رسید». ولی بدانیم که:

آب دریا را اگر نتوان کشید

پس بقدر تشنگی باید چشید

هنگامی که صفحات تاریخ (در باب فضائل و مناقب فاطمه علیهاالسلام) را ورق زده و مطالعه نمودم، با خود حدیث نفس نمودم که چرا (با این همه فضائل و مناقب) عده ای خود را به نفهمی زدند و چنان جنایت و جسارتی نمودند.

مگر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) مکرر نفرموده اند:

[صفحه ۲۶]

«فاطمه بضعه منی من آذاها فقد آذانی...» [۳۴] .

مگر فاطمه (علیهاالسلام) محور اهل کساء نبود؟

مگر او دخت رسول خدا (صلی الله علیه و آله) نبود؟

مگر فاطمه ی مظلومه (علیهاالسلام) همسر آن مظلوم تاریخ نبود؟

مگر فاطمه (علیهاالسلام)...

پس ای کوردلان! چرا چنین ظلم و جنایتی نمودید؟

چرا دیگر هیزم به در خانه اش بردید و بیت وحی الهی را آتش زدید؟!

خانه ای که جبرئیل امین (علیه السلام) بدون اجازه وارد نمی شد، خانه ای که پیغمبر (صلی الله علیه و آله) هر صبح و شام

بر اهل آن سلام می نمود و می فرمود:

«انما یرید الله لیذهب عنکم الرجس اهل البیت و یطهرکم تطهیرا». [۳۵]

چرا دیگر لگد به...!!!

و چرا با تازیانه بر...!!! و محسن (موؤده) عزیزش را به چه جرم و گناهی شهید نمودید؟! [۳۶] .

[صفحه ۲۷]

ای نامردمان روزگار!

مگر زهرای مرضیه (علیهاالسلام) چه عملی انجام داده بودند که این چنین وحشیانه عمل نمودید؟

بخدا قسم، وحشیان عالم هر چقدر هم وحشی باشند این چنین جسارت نمی کنند.

اف بر شما و پیروانتان! اف بر شما!

مگر فاطمه (علیهاالسلام) چه کرده بود که (بنابر نقل تاریخ) با چهار هزار نامرد به در خانه ی حجت خدا هجوم آوردید تا علی (علیه السلام) را برای بیعت گرفتن به مسجد برید و فاطمه (علیهاالسلام) در عقب در، محکم خود را چسبانیده بود که داخل نشوید، اما در این حال عمر لگدی بر در زد و در از جای کنده شد و بر سینه ی فاطمه (علیهاالسلام) افتاد و محسن او (علیه السلام) سقط شد، و وقتی که جامه ی علی (علیه السلام)را می کشیدید که او را به مسجد ببرید فاطمه (علیهاالسلام) با اینکه به شدت احساس درد می داشت خود را به علی (علیه السلام) رسانیده بود و طرف جامه را نگاه می داشت و به طرف خود

[صفحه ۲۸]

می کشید بنحوی که شما جماعت بر می گشتید و به روی زمین می ریختید و به زانوی در می آمدید و پیوسته جامه ی حضرت را می کشیدید و فاطمه (علیهاالسلام) هم می کشید تا اینکه عمر شمشیر خالد بن ولید را گرفت و با غلاف آن بر شانه ی فاطمه (علیهاالسلام) می زد تا آنکه مجروح شد،

سه مرتبه این عمل را انجام داد اما نتوانست جامه را از دست فاطمه (علیهاالسلام) بگیرد تا اینکه جامه جامه پاره پاره شد، یکپاره ی آن در دست فاطمه (علیهاالسلام) ماند و پاره های دیگر آن در دست های شما جماعت ماند و آن جراحت بر دل بی بی زهرا (علیهاالسلام) بود تا وقتی که شهادت یافت. [۳۷] .

ولی ای نامردمان روزگار! بدانید که (انشاء الله) روزی خواهد آمد که فرزند عزیزش مهدی آل محمد (صلی الله علیه و آله) انتقام مادر پهلو شکسته اش را از شما جسوران تاریخ بگیرد، موقعی که آن رمز بقاء هستی و آن خورشید لایزال جهان هستی، سر از پرده ی غیبت درآورده و طلوع نماید بعد از اینکه در مکه معظمه سیصد و سیزده نفر از یارانش با او بیعت می کنندو به مدینه ی منوره مشرف می شوند، سپس آندو نفر را از قبر بیرون می آورند،

[صفحه ۲۹]

با آنان صحبت کرده و آنها جواب می دهند، یاوه گویان به شک و تردید می افتند. بعد آنان را با همان هیزمی که برای سوزاندن حضرت علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) جمع کرده بودند می سوزانند... [۳۸] .

و گویا زبان حالش در این هنگام چنین باشد: الا الی اهل عالم بدانید:

مادر من حبیبه ی داور است

او ز همه خلق خدا برتر است

مادر من نور زمین و سما است

مادر من فقط کنیز خداست

مادر من سرور زنها بود

مادر من ام ابیها بود

مادر من مادر هر شیعه ایست

بدون حب او کسی شیعه نیست

نور خدا ز مادرم

ماندنی است

مادر من یاس کبود علی (علیه السلام) است

قامت مادرم چو عرش خداست

بهشت حق ز روی او با صفاست

[صفحه ۳۰]

لنگ کمیت همه روز جزاست

بغیر مادرم که او مقتدا است

مادر من بوی خوش احمدی است

مادر من قوت قلب علی است

مادر من بعد پدر پیر شد

از همه ی خلق جهان سیر شد

بعد نبی دشمن دین پا گرفت

تقاص خود ز مادر ما گرفت

کس نشنیده مادری را زنند

شوهر او به پیش چشمش برند

گوش کنید حقیقت دیگری

روضه ی سخت قربت مادری

او پی حق فدکش رفته بود

و ای خدا چگونه برگشته بود

عدوی بی حیا شرر باره کرد

به ضربه ای دو گوش او پاره کرد

[صفحه ۳۱]

چو خون ز گوش مادرم می چکید

حسن پی یاری او می دوید

حل نشده برایم این مسئله

چرا کتک زد به سر حامله

شما جسوران تاریخ، چنان جسارتی نمودید که تاریخ سراغ ندارد.شما نه خدا را شناختید نه ولی خدا را، چون اگر می دانستید که ولی خـدا کیست واگر می دانستید که خشم خدا در غضب زهرا (علیهاالسـلام) نهفته شده و محبت خالق هستی در عشق به صدیقه ی طاهره (علیهاالسلام) خلاصه گشته، چنین جسارتی نمی کردید.و شاید هم می دانستید ولی از روی لجاجت و عناد و تعصب مرتکب چنین ظلم و جسارتی شدید. لعن خداوند بر شما باد!

اما تا کی شما

کوردلان و خشک مغزان متعصب، حماقت را سرلوحه و پرچم پر افتخار خود قرار داده و عده ای یا به تعصب و یا به تقلید کورکورانه از روش و منش شما ظالمان روزگار حمایت می کنند؟ کسانی که همچون شما فضائل و

[صفحه ۳۲]

مناقب بی بی فاطمه (علیهاالسلام) را می دانند ولی به تقلید کورکورانه از شما آب بر آسیابتان ریخته و سنگ آنرا به حرکت درمی آورند و دفاع از عمل ناهنجار و زشت شما می کنند، اف بر شما و بر پیروانتان!

خلق را تقلیدشان بر باد داد

ای دو صد لعنت بر این تقلید باد

اما شما اندکی عاقلانه و بدور از تعصب اندیشه کنید و واقعا احقاق حق نموده و ببینید که حق از آن کیست؟ شما اگر می گوئید کتب شیعه را قبول نداریم مانعی نیست، کتب خود را بنگرید و قضاوت کنید، اما مردانه تصمیم بگیرید و نگذارید هوای تعصب و کوردلی جلوی دیدگان چشم و قلب شما را بگیرد.

اگر کسی بدور از هرگونه تعصب و جهالت اندیشه نماید و مطالعه ای در تاریخ اسلام و مظلومیت اهل بیت (علیهم السلام) نماید به این مطلب پی می برد که انسان مگر تا چه اندازه می تواند جسور و بی باک باشد که چنین مصائبی بوجود آورد که این نامردمان اینچنین نمودند و ظلم و جنایت را به بالاترین حد خود رساندند؟!

[صفحه ۳۳]

زهرا! مادر! ای مادر پهلو شکسته

هنگامی که این همه فجایع شنیع را در تاریخ خواندم و از موثقین شنیدم که چه ظلم و ستمهائی به شما نمودند آنقدر ناله و نفرین بر این ظالمان خبیث

نمودم و بـا خود گفتم ای کـاش آنجـا می بودم و آنموقعی که نـاله ات عرش را به لرزه درآورد اظهـار ادب می نمودم و جـان ناقابل خود را در راه شما نثار می نمودم.

آن موقعی که ضـربات لگـد بر پهلوی مبارکتان، و آن سـیلی های محکم بر صورت نازنینتان، و آن ضـربات تازیانه بر پیکرتان وارد می شد، ای کاش خود را حمایل می کردم.

مادرجان!

مگر شما چند ساله بودید؟ مگر چقدر سن و سال داشتید که بتوانید تحمل این همه مشقات و سختی ها را نمائید و در زیر فشار ضربات آن ملاعین صبر و تحمل نمائید؟!

مادر جان!

مگر با تو چه کردند که بر سر قبر پدر این چنین ناله سر دادی:

ما ذا علی من شم تربه احمد

ان لا یشم مدی الزمان غوالیا

[صفحه ۳۴]

صبت علی مصائب لو أنها

صبت علی الأیام صرن لیالیا [۳۹] .

«آنکس که بوی خوش تربت (خـاک قبر پیـامبر (صـلی الله علیه و آله) را می بویـد، اگر در زمـان طولانی، بوی خوش دیگری نبوید چه خواهد شد؟

آنچنان باران غم و اندوه بر جانم ریخته و اگر بر روزهای روشن می ریخت آن روزها مانند شب تیره و تار می گردید»:

بجانم ریخته چندان غم و درد مصیبتها

که گر بر روزها ریزند، گردد تیره چون شبها

و دستان کبود شده را بطرف آسمان بلند نموده و ناله زدی:

یا الهی عجل وفاتی سریعا

قد تنغصت الحیوه یا مولائی [۴۰].

«ای خدای من مرگم را سریعا و هر چه زودتر برسان، که زندگی تیره

کشته است ای مولای من».

ولی مادر! این را نیک می دانم که مادر هجده ساله چنین طاقتی نخواهد داشت، نه تنها من بلکه تاریخ هم این چنین می داند و با خود حدیث نفس می کند که:

[صفحه ۳۵]

بر حاشیه ی برگ شقایق بنویسید

گل طاقت بین در و دیوار ندارد

آری، گل و چه گویم خوشبوتر از گل. مردم دنیا خوشبوتر از گل سراغ ندارند و وقتی دلتنگ می شوند گل می بویند و از بوئیدن آن لذت می برند، و نیز رسول اکرم (صلی الله علیه و آله) خوشبوتر و محبوبتر از گل سراغ ندارد و آن فاطمه (علیهاالسلام) است و هنگامی که مشتاق بوی بهشت می شد فاطمه (علیهاالسلام) را می بوئید:

قال رسول الله (صلی الله علیه و آله):

«فکلما اشتقت الی رائحه الجنه شمعت رائحه ابنتی فاطمه» [۴۱] .

«هرگاه مشتاق بوی بهشت می شوم دخترم فاطمه را می بویم».

اما آه و صد فغان از آن لحظه ای که:

عمر به خانه ی فاطمه (علیهاالسلام) حمله ور شده و فریاد می زد: خانه را با اهلش به آتش بکشید در حالی که کسی در خانه نبود مگر علی و فاطمه و حسن و حسین (علیهم السلام) [۴۲] و دستور داد هیزم حاضر کنید و خطاب به اهل خانه گفت: قسم به آن کس که جان

[صفحه ۳۶]

عمر در دست اوست! باید خارج شوید و الا خانه را با اهلش به آتش می کشم!

شخصی به عمر گفت: ای اباحفص! آیا می دانی فاطمه (علیهاالسلام) در این خانه است؟!

عمر گفت: اگرچه فاطمه (علیهاالسلام) در خانه باشد!! [۴۳] .

و چنان آتشی افروختند که

درب خانه و اهل آن را آتش زدند و چنان هجو آوردند که سینه ی زهرا (علیهاالسلام) را بشکستند! بله:

سینه ای کز معرفت گنجینه ی اسرار بود

کی سزاوار فشار آن در و دیوار بود

و خواستند علی (علیه السلام) را دست بسته به مسجد ببرند و آندو سبط پیغمبر (صلی الله علیه و آله) چنان متحیرانه می نگریستند و اشک غم می ریختند که آیا مادر را از زیر دست و پا نجات دهند و یا به کمک بابا بروند. [۴۴] .

در این هنگام علی (علیه السلام) را به نزد ابوبکر بردند و به ایشان گفتند: باید با ابوبکر بیعت کنی. حضرت پاسخ داد: اگر بیعت

نکنم چه می شود؟ گفتند: در آن صورت - سوگند به خداوندی که جز او خدائی نیست - گردنت را می زنیم!! حضرت فرمود: بنابراین شما بنده ی خدا و برادر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) را می کشید؟ عمر پاسخ داد: بنده ی خدا که آری، و اما برادر رسول خدا، پس نه، ابوبکر ساکت بود و صحبتی نمی کرد، ابوبکر گفت: تا وقتی که در مورد او دستوری صادر نمی کنی؟ ابوبکر گفت: تا وقتی که فاطمه (علیهاالسلام) در کنار اوست من او را به کاری وادار نمی کنم. حضرت علی (علیه السلام) خود را به قبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) رسانیده و ناله و زاری می کرد و می گریست و می گفت:

«یابن أم ان القوم استضعفونی و کادوا ان یقتلوننی.» [۴۵] .

«ای پسر مادرم مردم مرا ضعیف و ناتوان نموده و نزدیک است مرا بکشند». [۴۶] .

و مصیبت بارتر لحظه ای که:

امیرالمؤمنین (علیه السلام) آن مظلوم

تاریخ، شروع به تجهیز آن مظلومه ی تاریخ فاطمه ی زهرا (علیهاالسلام) نمود و او را غسل داد و او را در کفن خودش پوشانید و هنگامی که خواست بندهای کفن را

[صفحه ۳۸]

ببندد صدا زد: یا زینب... و یا ام کلثوم...، و یا سکینه...، ای فضه، حسن جانم، حسین جان، بیائید و از مادرتان بهره بگیرید، فراق و جدائی فرا رسیده و دیدار به بهشت و قیامت موکول شده، در اینحال حسین (علیه السلام) دوان دوان آمد و خود را بر روی جنازه ی مادر انداخت و صدا می زد: مادر...! مادر...! مادر من حسینتم مادر... برخیز مادر... مادر چه شده که دیگر با من حرف نمی زنی...؟ مادرباور ندارم که جوابم را نمی دهی...

مادر هنگامی که جدمان محمد مصطفی (صلی الله علیه و آله) را دیدار کردی سلام ما را به او برسان و به آن حضرت بگو بعد از تو در دنیا یتیم ماندیم. بی بی زینب (علیهاالسلام) در اینحال ناله می زد و فریاد می نمود که مادر جان یتیمی برایم زود بود... مادر

در کودکی شد قسمت من خانه داری

هم خانه داری می کنم هم سوگواری

ولی مادر...

گریم برای نور دو عینت

هر شب دهم آب دست حسینت

مادر...

[صفحه ۳۹]

دیشب نشستی گیسوانم شانه کردی

امشب در آغوش لحد کاشانه کردی

و سخت تر از این لحظه، زمانی بود که در این هنگام فاطمه ناله ای زد و دستهایش را کشیده و حسن و حسین (علیهاالسلام) را به آرامی در آغوش گرفت و در این لحظه هاتفی صدا زد: ای ابوالحسن!

حسن و حسین (علیهماالسلام) را از مادرشان جدا کن به خدا سوگند فرشتگان آسمانها را به گریه درآوردند. [۴۷] .

و مولا علی (علیه السلام) دراین هنگام بچه ها را از سینه ی مادر جدا نمود و شروع به بستن بندهای کفن کرد، و چنین ناله می نمود:

یا زهرا

فراقک اعظم الأشیاء عندی

و فقدک فاطم ادهی الثکول

«فراق و جدائی تو در نزد من بزرگترین چیزها است و فقدان تو ای فاطمه سنگین ترین مصیبتها است».

سابکی حسره و انوح شجوا

علی خل مضی اسنی سبیل

«از سر حسرت می گریم و از سر اندوه نوحه سرائی می نمایم بر

[صفحه ۴۰]

دوستی که گام بر روشن ترین راه نهاده است».

الا یا عین جودی و اسعدینی

فحزنی دائم ابکی خلیلی [۴۸] .

«ای دیده اشک بریز و با من همراهی کن، من همیشگی است و بر دوستم می گریم».

و بر قبر فاطمه ی پهلو شکسته اش اینچنین مرثیه می خواند:

نفسی علی زفراتها محبوسه

یا لیتها خرجت مع الزفرات

لاخیر بعدک فی الحیوه و انما

أبکی مخافه ان تطول حیاتی [۴۹] .

«جان من با ناله هایم در سینه ام حبس شده، ای کاش جانم با ناله هایم از سینه ام خارج می شد».

«ای فاطمه پس از تو خیری در زندگی دنیا نیست، گریه می کنم از ترس اینکه زندگی من در دنیا طولانی شود».

[صفحه ۴۱]

مادر جان! در پایان این نوشتار، سلامم را پذیرا باش، سلام بر قبر مخفی ات، سلام بر قبر بی شمع و چراغت.

مادر! گویند که مدفنت در مدینه

است. در قبرستان بقیع، و یا در خانه ات و یا بین قبر و منبر رسول خدا (صلی الله علیه و آله) [۵۰] ، من نمی دانم ولی هرکجا که آرمیده ای قطرات اشکم را گلواژه قبر مخفی ات قرار ده.

مادر! قبرت مخفی است، تاریخ شهادتت نیز مخفی و سرت هم نامعلوم.

اما مادر! بدان امید دل می بندم که یوسفت هرچه زودتر سر از پرده ی غیبت بدر آرد و به تمام مظلومیتت خاتمه دهد، (انشاء الله).

و ای امام زمان، ای یادگار زهرای مرضیه (علیهاالسلام) به محضر شما عرضه می دارم:

یا مدرک الثار البرار

شن علی حرب عداک المغار

«ای انتقام گیرنده بشتاب، بشتاب و بر دشمنانت شبیخون زن و یورش بر».

[صفحه ۴۲]

یا صاحب العصر و رکن الهدی

قد هد، و الجور علی الدین جار

«ای صاحب الزمان آیا می پسندی سنگ شراب گیری بر روی ما بچرخد؟»

قد ذهب العدل و رکن الهدی

قد هد، و الجور علی الدین جار

«دادگری رفته، ستون هدایت ویران شده و ستم بر دیانت روا داشته شده است».

أغث رعاک الله من ناصر

رعیه ضاقت علیها القفار

«خداوند تو را حفظ کند، به فریاد مردمی برسی و کسانی را یاری کنی که زمین بر آنها تنگ شده است».

تنسی علی الدار هجوم العدی؟

مذ أضرموا الباب بجزل و نار

«آیا هجوم دشمنان را بر خانه از یاد برده ای، در آن هنگام که بر در خانه آتش و هیزم برافروختند».

و رض من فاطمه ضلعها

و حیدر یقاد قسرا جهار

[صفحه ۴۳]

«پهلوی فاطمه را شکسته و حضرت علی را به زور و آشکارا کشاندند».

تعدوا و تدعوا خلف أعدئها

یا قوم خلوا عن علی الفخار

«پشت سر دشمنان می دوید و صدا می زد ای مردم دست از علی آبرومند بردارید».

قد أسقطوا جنینها و اعتری

من لطمه الخد العیون احمرار

«کودک رحمش را افکندند و از سیلی وارد شده بر صورتش چشمهایش سرخ شد».

فما سقوط الحمل؟ ما صدرها؟

ما لطمها؟ ما عصرها بالجدار؟

«سقط جنین؟ چه شد؟ سینه چه شد؟ سیلی چه شد؟ و فشار بر در و دیوار چه شد؟

ما وکزها بالسیف فی ضلعها؟

و ما انتشار قرطها و السوار؟

«نواختن با شمشیر در پهلویش؟ پرت شدن گوشواره و دستارش را چه شد؟

[صفحه ۴۴]

ما ضربها بالسوط ما منعها؟

من البکاء و مالها من قرار؟

«تازیانه خوردنش چه شد و ممانعت از گریه و عدم آسایش و آرامش او چه شد؟»

ما الغصب للعقار منهم و قد

أنحلها رب الوری للعقار؟

غصب زمینهای آن حضرت چه شد، با اینکه پروردگار جهانیان آن زمینها را به او بخشیده بود؟

ما دفنها بالليل سرا و ما

نبش الثرى منهم عنادا جهار؟

«دفن آن حضرت چه شد که بطور مخفیانه و شبانه بود و چه شد که آنان اقدام به نبش قبر آن حضرت بطور آشکار نمودند؟»

تعسا لهم فی ابنه ما رعوا

نبیهم و قد رعاهم مرار [۵۱].

«مرگ بر

آنان، در مورد دختری که پیمبرشان را در مورد او رعایت نکردند با اینکه آن حضرت بارها رعایت حال آنان را نمود».

[صفحه ۴۵]

در پایـان این نوشـتار چشم امیـد به عنایـات آن بی بی مظلومه داشـته و از ایشـان عاجزانه خواهانیم که با دعاء در تعجیل ظهور فرزند و منتقم حقیقی اش حضرت بقیه الله الاعظم (عجل الله تعالی فرجه الشریف) سر بر کوی مخفی اش گذاریم. (انشاء الله)

سرمایه ی محبت زهراست دین من

من دین خویش را به دو دنیا نمی دهم

گر مهر و ماه را به دو دستم نهد قضا

یک ذره از محبت زهرا نمی دهم

الحمدلله رب العالمین و صلی الله علیک یا ایتها الصدیقه الشهیده

محتاج عنایات فاطمی

صادق داوری دولت آبادی

جمادی الاولی / ۱۴۲۰ ه. ق.

[صفحه ۴۶]

صلوات بر حضرت فاطمه زهرا

(منقول از امام حسن عسکری)

بسم الله الرحمن الرحیم

اللهم صـل علی الصـدیقه فـاطمه الزکیه حبیبه حبیبـک و نبیک و ام احبائک و اصـفیائک التی انتجبتها و فضـلتها و اخترتها علی نساء العالمین اللهم کن الطالب لها ممن ظلمها و اسـتخف بحقها و کن الثائر الله بدم اولادها اللهم و کما جعلتها ام ائمه الهدی و حلیله صاحب اللواء و الکریمه عنـد الملاء الاعلی فصل علیها و علی امها صـلوه تکرم بها وجه ابیها محمـد صـلی الله علیه و اله و تقر بها اعین ذریتها و ابلغهم عنی فی هذه الساعه افضل التحیه و السلام.

خـدایا درود بفرست بر بـانوی صـدیقه، فاطمه ی پاکیزه صالحه، که اوست حبیبه ی تو و پیامبرت (رسول خـدا صـلی الله علیه و آله) و مادر

اولیاء، و برگزیدگان تو (امامان معصوم علیهم السلام) آن بانوئی که برگزیده ای و برتری داده ای و انتخاب کرده ای او را بر زنهای جهانیان، خدایا تو داد او را از ستمگرانش بستان و از کسانی که حق او را سبک شمردند بازخواست نما، و خونخواه خون فرزندان او باش. خدایا همچنانکه او را مادر امامان هدایت و همسر صاحب لواء (علیه علیه السلام)، و بزرگوار در نزد ملأ اعلی (ملائکه الله) مقرر داشتی، پس درود بفرست بر او و بر مادرش (خدیجه کبری) آن درود و صلواتی که بوسیله ی آن کرامت و آبروی افزون دهی پدرش حضرت محمد صلی الله علیه و آله را و آن درود و صلواتی که روشن گردانی چشمهای ذریه او را، و برسان به آنان از طرف من در این وقت بهترین تحیت و سلام را.

پاورقی

[۱] ملتقی البحرین، ص ۱۴.

[۲] فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۱۲۷.

[۳] مستدرک الصحیحین، ج ۳، ص ۱۵۳.

[۴] مصباح الانوار، ص ۲۲۹.

[۵] اثر طبع مرحوم علامه میرجهانی.

[۶] اثر طبع استاد گرامی حجه الاسلام و المسلمین سید حسن حسینی (دام ظله).

[۷] انسان، ۱۳.

[۸] البرهان، ج ۴، ص ۴۱۲ / بحار الانوار، ج ۳۵، ص ۲۴۱ / مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۲۹.

[۹] بصائر الدرجات، ص ۱۵۳، ح ۶.

[۱۰] اصول کافی، ج ۱، ص ۲۳۹، ذیل ح ۱/ ینابیع المعاجز، ص ۱۲۹.

[۱۱] زمر، ۶۵.

[۱۲] انبیاء، ۲۲.

[۱۳] مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۲۴/ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴۳، ح ۴۳/ نورالثقلین، ج ۴، ص ۴۹۷، ح ۱۰۲.

[۱۴] علل الشرایع، ج ۱، ص ۱۸۰ ح ۲.

[۱۵] مصباح الانوار، ص ۲۲۹/ کشف الغمه، ج ۱ ص ۴۷۲.

[١٦] الثاقب فى

المناقب، ص ۱۹۶، ح ۱ / بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۴۶، ح ۴۵.

[۱۷] بحارالانوار، ج ۶۲، ص ۱۰۲، ذیل ح ۳۱/ اصول کافی، ج ۸، ص ۱۰۹، ذیل ح ۸۷

[۱۸] مناقب ابن شهر آشوب، ج ۳، ص ۳۴۱/ مقتل خوارزمی، ج ۱، ص ۸۰.

[۱۹] امالی شیخ طوسی، ص ۴۰۰، ح ۴۰، مجلس ۱۴.

[۲۰] فضائل الأشهر الثلاثه، ص ۹۹، ح ۸۴/ بحارالانوار، ۴۳، ص ۵۶، ح ۴۹.

[۲۱] عبارات فوق القاب حضرت زهرا (علیهاالسلام) می باشد.

[۲۲] کنزالعمال، ج ۱۲، ص ۱۱۱/ بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۹.

[۲۳] بحارالانوار، ۱۰۵، ۴۳، ح ۱۸/ امالی شیخ طوسی، ص ۶۶۸، ح ۶، مجلس ۳۶.

[۲۴] فقال الامین جبرائیل: یا رب و من تحت الکساء فقال عزوجل هم اهل بیت النبوه و معدن الرساله هم فاطمه و ابوها و بعلها و بنوها (حدیث کساء).

[۲۵] احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۱۸۵.

[۲۶] قال الصادق (علیه السلام): انا انزلناه فی لیله القدر، اللیله، فاطمه و القدر، الله فمن عرف فاطمه حق معرفتها فقد ادرک لیله القدر و انما سمیت فاطمه لان الخلق فطموا عن معرفتها، بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۶۵/ تفسیر فرات بن ابراهیم کوفی، ص ۵۸۱.

[۲۷] فضائل ابن شاذان، صص ۸۰ – ۸۲.

[۲۸] یا احمد! لو لاک لما خلقت الافلاک و لو لا علی لما خلقتک و لو لا فاطمه لما خلقتکما / ملتقی البحرین، ص ۱۴.

[۲۹] سروده ی فاضل محترم شیخ حسن دمستانی.

[۳۰] فاطمه بهجه قلب المصطفی (صلی الله علیه و آله)، ص ۸.

[۳۱] صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۶، باب فضائل.

[۳۲] تاریخ بغداد، ج ۱، ص ۲۵۹.

[۳۳] جنه العاصمه، ص ۱۵۲/ مرحوم علامه میر جهانی.

[۳۴] صحیح بخاری، ج ۵، ص ۲۶، باب فضائل / علل الشرایع، باب ۱۴۸، ص

.۱۸۷

[۳۵] احزاب، ۳۳.

[۳۶] مفضل گوید، به حضرت صادق (علیه السلام) عرض کردم درباره ی آیه شریفه: و اذا الموؤده سئلت. بأی ذنب قتلت (تکویر، ۸ و ۹ (چه می فرمائید؟ حضرت فرمود: ای مفضل بخدا سوگند که «موؤده» کودک در خاک پنهان شده، محسن است زیرا او از ما می باشد این است معنی «موؤده» و غیر از این نیست، و هر کس غیر از این بگوید او را تکذیب کنید. بحارالانوار، ج ۵۳، ص ۲۳.

[۳۷] جنه العاصمه، ص ۲۵۱.

[۳۸] دلائل الامامه طبری، ص ۲۴۲.

[۳۹] اهل البیت، توفیق ابوعلم، ص ۱۶۵.

[۴۰] جنه العاصمه؛ ص ۳۳۹.

[۴۱] فضائل الخمسه، ج ۳، ص ۱۲۷.

[۴۲] الملل و النحل، ج ۱، ص ۵۷.

[۴۳] الامامه و السیاسه، ج ۱، ص ۱۲.

[۴۴] جنه العاصمه، ص ۲۵۱.

[۴۵] اعراف، ۱۵۰.

[۴۶] الامامه و السیاسه، ج ۱، صص ۱۹ - ۲۰.

[۴۷] بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۱۷۹.

[۴۸] فاطمه بهجه قلب المصطفی (صلی الله علیه و آله)، ص ۸۳.

[۴۹] احقاق الحق، ج ۱۰، ص ۴۳۵/ بحارالانوار، ج ۴۳، صص ۲۱۳، ۲۰۴، ۱۸۴.

[۵۰] رجوع شود به کتاب: فاطمه بهجه قلب المصطفی (صلی الله علیه و آله)، ص ۸۳۰.

[۵۱] اثر طبع خطیب بزرگورا سید صالح حلی نقل از شعراء الحسین (علیه السلام)، ص ۸۹/ فاطمه بهجه قلب المصطفی (صلی

الله علیه و آله)، ص ۸۶۷.

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹